

همای رحمت

علی ای همای رحمت توجه آیتی خدا را!
که به ما سوا فکندی همه سایه هما را
دل اگر خداشناسی همه در رخ علی بین
به علی شناختم من، به خدا قسم، خدا را
مگر ای سحاب رحمت تو بیاری ار نه دوزخ
به شرار قهر سوزد همه جان ما سوا را
برو ای گدای مسکین در خانه علب زن
که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را
به جز از علی که گوید به پسر که قاتل من
چو اسیر توست اکنون به اسیر کن مدارا
به جز از علی که آرد پیری ابوالعجایب
که علم کند به عالم شهدای کربلا را؟
چو به دوست عهد بندد زمین پاک بازان
چو علی که می تواند که به سر برد وفا را
نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت
متحیرم چه نام شه ملک لافتی را
به دوچشم خود فشانم هله ای نسیم رحمت
که زکوی او غباری به آر توتیا را

به امید آنکه شاید برسد به خاک پایت
چه پیام ها سپردم، همه سوز دل، صبا را
چه تویی قضای گردان، به دعای مستمندان
که زجان ما بگردان ره آفت قضا را
چه زنم چونای هر دم، ز نوای شوق او دم؟
که لسان غیب خوش تر بنوازد این نوا را
«همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی
به پیام آشنایی بنوازد آشنا را»
زنوای مرغ یا حق بشنو که در دل شب
غم دل به دوست گفتن چه خوش است
شهریارا

مجموعه آموزشی نرم افزاری **کلبه ۱**
City Narmafzar تولید کننده انواع کتاب های
کامپیوتری ... ؟
تهیه و تولید : مهدی خادمی